

نویسنده: Dieter Fröhlich

برگردان از آلمانی به فارسی دری: اسد الم

بخش ششم

مقدمه نویسنده

## ناسیونالیسم و دولت های ملی در کشور های رو به انکشاف

مشکلات همگرایی گروه های قومی در افغانستان

### 2 هویت خودی تمام جامعه در رابطه با محیط ماحول

الف) محیط ماحول اجتماعی و «خود» آگاهی

توضیح ناسیونالیسم به مثابه هویت خودی و یا خود آگاهی یک جامعه ریشه در تجارب روزمره دارد. معمولاً اعتقاد و سلوک ما در زندگی روزمره هیچ دلالت ضمنی بر جامعه ای که ما در آن زندگی می کنیم ندارد. در بین این جامعه ما به حیث اعضای فامیل، کارگران و یا کارفرمایان، به حیث اعضای یک اتحادیه و غیره عمل می کنیم و در این نقش ها احساس سمپاتی (همدردی) و یا انتی پاتی (انزجار) مقابل اعضای فامیل های دیگر، کارگران و یا کارفرمایان و غیره می کنیم، و این در حالی است که انتی پاتی بین ما و دیگران به تنش ها و منازعات تبدیل شده می تواند. در این نقش های عملی ما هرگز آگاهانه به حیث آلمانی، فرانسوی و یا پولندی (لهستانی) عمل نمی کنیم. تجدید احساس عضویت به شهروندان خودمان مفاهیم معلوماتی را پیش فرض قرار می دهند: برخورد با مربوطات ملت های دیگر، چه به شکل مستقیم از طریق روابط شخصی و یا به شکل غیر مستقیم از طریق رسانه های جمعی و یا سمبول های ملت های دیگر. «خود» آگاه بودن چه به حیث یک آلمانی، فرانسوی و یا پولندی یک محیط ماحول ویژه و یک وضعیت ویژه ای را که آن را «خود» آگاه می کند، پیش شرط قرار می دهد.

با «خود» و «خودآگاهی» ما دو واژه از علم روانشناسی را به کار می بریم. این واژه ها به شکل ساده آن هویت شخصی را نشان می دهند که خود را سوا و موجود بی همتا در مقابل هموعان خود می داند. با اصطلاح «هویت خودی» عین هدف بیان می شود. شکل دادن عنصر خودآگاهی افراد در اینجا به معنی موجودیت محیط ماحول اجتماعی است.<sup>82</sup>

<sup>82</sup> این شناخت ریشه در افکار ویلیام جیمز دارد (Williams James, the Principles of Psychology, New York, 1890) (و توسط چارلیس اچ. کولی (Charled H. Cooley) ادامه داده شد. Vgl. Nature; und The Social Order, Glencoe, III, 1956, در اوایل 1909 و 1902 Z; Geoge H. Mead., Mind, Self, and Society, Chicago, III., 1934.

این دو اصطلاح روانشناسی «خود» و «خودآگاهی» را ما به جامعه انتقال می دهیم و آن هم به آن مفهوم که اعضای یک جامعه خود را به حیث یک جمع در مقابل محیط ماحول اجتماعی دیده و در وضعیت های ویژه بر اساس آن مطابق به محتوای خودآگاهی تمام جامعه عمل کنند. در این حالت کیفیت روانشناسانه واژه «خود» باقی می ماند؛ زیرا در حالات ویژه در سطح ملت ها اعضای یک جامعه از طریق روابط موثر احساسی بین یک گروه متحد یک جماعت را می سازد.

ب) ناسیونالیسم به مثابه تقلیل پیچیدگی خودی

اهمیت محیط ماحول برای هویت خودی که تا حالا به صورت عمومی فقط تاثیرات آن بالای افراد تشریح شد، را به تازگی ها نیکلاس لومن (Niklas Luman) برای پیدایش نظام اجتماعی نشان داد.<sup>83</sup>

لومن درمان ناقص مشکلات محیط ماحول را در تیوری ساختار- وظیفه مندی روانشناسی، مناسبی برای انتقاد از تمام این تیوری قرار داد. او در حالی که تیوری ساختار- وظیفه مندی نظام اجتماعی را به حیث پیش شرط داده شده قرار می دهد و سوال روند حفظ سیستم را مطرح می کند، خود سیستم را به حیث مشکل و فلهاذا نتیجه گیری آن را به حیث متغیر وابسته به آن دیده و بدنبال شرایط و روندهای تشکل اش می گردد. این اصل مفیدیت خود را برای تشریح ناسیونالیسم و مخصوصاً هویت خودی تمام جامعه نشان داده و به این خاطر قسمت های که برای ما زیاد کاربرد دارد به شکل خلاصه نقل قول می شود.<sup>84</sup>

لومن برای اینکه پایه های انتقادش را شرح دهد تیوری ساختار- وظیفه مندی را ترسیم نمود: او «.. نظام اجتماعی با ساختارهای ویژه ای را پیش شرط قرار داد و بعد به دنبال جویای قدرت کارایی آن شد که باید ارائه یا حاصل شوند تا این که سیستم ها محفوظ مانده بتوانند. در این میان واژه کارایی محدود به توانایی های داخلی و قبل از همه محدود به توانایی های سیستم های فرعی می شود. این اصطلاح به این شکل مربوط به دسته بندی (کته گوری) سیستم داخلی می شود، که رابطه اجزا را با کل نشان می دهد (به صفحه 616 مراجعه شود). در اینجا انتقاد اصلی به نقطه آغازش می رسد؛ زیرا طرح این سوال حتمی می شود؛ چیزی که به حیث ساختار پیش شرط قرار می گیرد چطور مرزش تعیین شده می تواند؟. مشابه به آن ما می توانیم سوال مرزهای هویت ملی را مطرح کنیم. «تمام تحلیل های تابعی یک نقطه آغاز را پیش فرض قرار می دهند که بر پایه آن یک تابع کامل می شود. برای تیوری ساختار وظیفه مندی حفظ همین نقطه آغاز سیستم بود که حفظ آن را این تیوری به حیث یک مشکل می دید. اگر جایگزین این طرح تیوری کارایی- ساختاری شود، باید این تیوری یک سیستم مرجع دیگری را جستجو کند که پیش شرط های ساختاری سیستم شامل آن نشود» (ص 617). لومن «سیستم اجتماعی» را به مثابه روابط با مفهوم معاملات اجتماعی...، که به همدیگر منسوب بوده و توسط محیط های ماحول که مرز خود را از محیط ماحول و معاملات که مربوط به آن نمی شود جدا کند، تعریف می کند» (ص 617) و بعد ادامه می دهد: «وقتی انسان از این سیستم واژه ای، که در تفاوت بین داخل و خارج قاعده تعیین شده خودش را دارد، حرکت می کند و کوشش می کند که آن را دگرگون کند، بعد سوال واحد مرجع (Bezugseinheit) که مرزی را نمی شناسد سوال می

واژه «خود اجتماعی» با تغییراتی در تمام ادبیات روانشناسی و جامعه شناسی پیدا می شود. به این ترتیب در این رابطه منابع خیلی زیادی دیگری نیز وجود دارد.

<sup>83</sup> Niklas Luman, Soziologie als Theorie sozialer System, in: Kölner Zeitschrift für d Soziologie und Sozialpsychologie, Bd. 19 (1967), S. 615-644

<sup>84</sup> صفحات مربوط به منبع ذکر شده ای بالا می باشد.

کند. وقتی در مورد جهان سوال مطرح می‌کند... ، اگر انسان آن را به حیث یک سیستم فکر کند، باید همزمان محیط ماحول جهان و تفکر و اثره هدایت کننده جهان که به سوی این محیط ماحول حرکت کنند، را با آن فکر کند (ص 617). چون جهان محیط ماحولی ندارد، پس تهدید هم شده نمی‌تواند. تفاوت اش با قضیه سیستم ها اینست که موجودیت آن هیچ وقت به مخاطره نیست و به این خاطر هم مشکلا نیست... جهان نه از منظر موجودیت اش بلکه از منظر پیچیدگی اش به مشکل تبدیل می‌شود» (ص 618) .

اصطلاح پیچیدگی را ما قبلاً در بررسی جوامع پیچیده به مفهوم یک جامعه چند لایه استفاده نمودیم. لومن برایش یک معنای بنیانی قائل است که سر انجام ریشه آن به مشکلات ما می‌رسد. «به حیث پیچیدگی در اینجا مجموعه تمامی رویدادهای ممکنه (در جهان) فهمیده می‌شود» (ص 618). برای این که سیستم های اجتماعی («روابط بامفهوم معاملات اجتماعی...» ، که به یک دیگر منسوب بوده و نمی‌توان آن را از محیط ماحول و معاملات مربوط به آن جدا نمود)، بتوانند به وجود بیایند که یک کاهش تمامی رویدادهای ممکنه یعنی «کاهش پیچیدگی بیش از اندازه» الزامی است. با «گزینش امکانات دیگر» «مفهوم» پیدا می‌کند و این خود همزمان به امکانات دیگر اشارت می‌کند.<sup>85</sup> (ص 619).

«فقط با گزینشی که از آن مفهوم حاصل شود، سیستم ها می‌توانند که برای خود جهانی پایه ریزی کند و آن را نگاه دارند و به این مفهوم «فاعل» باشند. اگر انسان جهان را طوری که در اینجا روی آن بحث می‌شود بیش از اندازه مشکل آفرین بسازد، بعد گفته می‌تواند که: مفهوم در خدمت ثبت و کاهش پیچیدگی جهان است و بعد به این طریق در خدمت جهت یابی و تجارب و برخوردها» (ص 619).

«سیستم های اجتماعی وظیفه ثبت و کاهش پیچیدگی ها را دارند». آنها در خدمت میانجیگری بین پیچیدگی های بسیار مغلق جهان و بنا بر دلایل انتروپولوژی (انسان شناسی) استعدادهای بسیار ضعیف انسان ها که برای هضم و پذیرش آگاهانه خاطرات به ندرت قابل تغییر می‌باشند، قرار دارند. این وظیفه از طریق سیستم سازی یعنی در حله اول بوسیله استحکام تفاوت بین داخل و خارج بر آورده می‌شود (ص 619).... تفاوت بین داخل و خارج این را ممکن می‌سازد تا جزیره پیچیدگی کمتری در جهان بسازیم و آن را ثابت نگاه داریم.

سیستم اجتماعی خودش «می‌آموزد» تا خود را از محیط ماحولش و بدینوسیله پیچیدگی خودش را از دنیا تمیز بدهد. سیستم ها وقتی پیچیده می‌باشند که بیشتر از یک حالت را اتخاذ کرده بتوانند یعنی یک دسته ای از امکانات داشته باشند که با ساختار آنها در تفاهم باشند... یک سیستم اجتماعی می‌تواند فقط با یک دنیای محدودی در ارتباط باشد و پیچیدگی جهانش مربوط به پیچیدگی خودش و مخصوصاً به نوع و پهنای تفاوت‌های ساختاری و به استعداد توانایی پروسه های انتخابی می‌شود. جوامع ساده تر نسبت به جوامع چند لایه جهان ساده تر دارند. وقتی موفق شویم که مرز سیستم ها را در مقابل محیط ماحول به شکل نسبی تغییر ناپذیر نگاه داریم طوری که ساختارها و روند ها خود را به این مرزها آماده سازند، می‌توانند که مزیت های این چنین تفاوتها از داخل و خارج حاصل شوند، مطمئن شوند و صعود کنند. این نمی‌تواند که در سیستم های اجتماعی بوسیله پیش گیری روندهای سببی-

<sup>85</sup> S. 619; Hervorhebung durch Lumann. Zur Problematik und Definition des Sinnbegriffs vgl. Luhman, S. 618-519

فزیکی و یا اطلاعاتی اجرا شوند، بلکه فقط از طریق اداره؛ نه از طریق استقلال بلکه از طریق اتونومی (خودمختاری). مرزهای سیستم های اجتماعی نمی گذارند تا آنها را به حیث حالات تغیر ناپذیر لایه های فزیکی تعریف نمود، تقریباً مثل جنس دیوار که احصار می کند و یا اشیای فزیکی قابل شمارش مثل انسان ها که مربوط به آن می شوند و یا نمی شوند. آنها اجازه می دهند تا آنها را صرف به مثابه مرزهای با مفهومی درک کرد، به مثابه عناصر یک ذخیره اطلاعاتی تا تازه بودن آن سبب شود که اطلاعات بر اساس قاعده های معین داخلی سیستم استفاده شوند» (ص 620).

این تشریحات مغلق ممکن در اولین چشم انداز سوال مفیدیت آن را برای بیان مشکل ناسیونالیسم تحریک کند، اما در واقعیت اینها برای ما بی نهایت کارآمد و مهم می باشند. موازات آن با طرح های روانشناسانه آشکار می باشند و ما نمی خواهیم که بیشتر روی آن بحث کنیم. - برای اینکه جهت یابی و معاملات افراد را ممکن ساخت، سیستم سازی یعنی کاهش پیچیدگی ضروری می باشد و آنهم از دو جهت یعنی کاهش پیچیدگی خودی و پیچیدگی محیط ماحول. بخش بعدی مشکل کاهش پیچیدگی خودی را مورد بحث قرار می دهد.

(س) ناسیونالیسم و هویت خودی تمام جامعه: دو تیز (فرضیه)

تشریحات ما در مورد جوامع قطعه قطعه روشن نمود که به مفهوم خیلی جدی آن هر قطعه آن یکی از گروه های جامعه مبتنی بر تقسیم کار یعنی یک جامعه منفرد می باشد. برای اعضای این جوامع پایگاه منظفوی جامعه ایشان یعنی کل زندگی اجتماعی مفهوم و پیوند نام ها و ارزشها به شکل مستقیم محسوس و قابل تجربه می باشد. این جوامع به شکل مسقیم قابل لمس است و نیازی به تفسیر و ایدیولوژیک کردن بوسیله اعضای آن ندارد. بخاطری این که پیچیدگی خودی خیلی کم است و جامعه برای اعضایش بدون مشکل قابل درک است.

متفاوت با آن در جامعه پیچیده با افزایش تفاوت های ساختاری (تقسیم کار اجتماعی) افراد وسعت نظر شأن را در مورد وسعت، مرزها و روابط جامعه از دست می دهند. یکدستی ارزش های اجتماعی و نورمها بوسیله طبقات اجتماعی، ارزشها و نورمهای ویژه طبقاتی و بوسیله پیدایش فرهنگهای فرعی منحل می شوند. فرد فقط و فقط بوسیله گروه های میانجی با جامعه متصل می باشد. جامعه دارای پیچیدگی خودی خیلی زیادی می باشد و خود تقاضای کاهش این پیچیدگی را می طلبد. نتیجه آن می تواند که فقط یک ایده یعنی تصویر فرد از کل جامعه باشد که در آن خود را منحیث عضو می بیند: هویت خودی تمام جامعه.

این تشریحات اشاره ضمنی بر دو فرضیه (تز) دارد:

1. افراد نیاز دارند تا تصویری از وسعت جامعه ای که در آن زندگی می کنند و از رابطه شان با محیط ماحول اجتماعی داشته باشند. عدم آگاهی از وسعت و روابط محیط ماحولی جامعه باعث دلهرگی، احساس نا امنی و فشار روانی بالای افراد می شود. این موضوع «پیچیدگی بسیار زیاد» است که پیدایش جهت یابی را در تجربه و برخورد ها مربوط به جامعه و محیط ماحول نامطمئن می سازد. کاهش هیجان بسیار زیاد (کاهش پیچیدگی بسیار زیاد) بوسیله بنای یک هویت اجتماعی یعنی ناسیونالیسم بوجود می آید. اگر این نتیجه گیری را قبول کنیم، بعد می بینیم که وظیفه ناسیونالیسم معلوم می شود: این وظیفه ناسیونالیسم است که ناامنی کل جامعه را تقلیل بدهد. از طریق ناسیونالیسم جوامعی که برای افراد مستقیماً قابل روئیت

و محسوس نیست، دوباره قابل روئیت و شفاف می شوند. ناسیونالیسم به افراد اجازه می دهد که بدون شناخت از بقیه اعضای جامعه خود را به حیث اعضای جامعه ببینند.

2. تز دومی می گوید که اعضای هر گروه مبتنی بر تقسیم کار یعنی هر جامعه همزمان یک جماعت را تشکیل می دهند. جماعت و جامعه هم در جوامع قطعه قطعه و هم در جوامع بسیار پیچیده همیشه شبیه هم می باشند. تالکوت پارسون (Talcott Parsons) در این مورد اصطلاح خیلی فشرده و مختصر<sup>86</sup> *social community* «انجمن اجتماعی» را استفاده می کند. اما در مورد احساس اجتماعی بین هر دو نوع جامعه یک تفاوت بسیار زیادی می باشد: در حالیکه احساس اجتماعی در هر قطعه از جامعه قطعه قطعه اصولاً غیر وابسته به محیط ماحول است، در جوامع پیچیده این احساس بدون رابطه با محیط ماحول غیر قابل درک می باشد.<sup>87</sup>

هر دو ادعای ما در دو بخش آینده باید به ثبوت برسند. اولی ما را بسوی مشکل مذهب و ایدئولوژی می کشاند و دومی بسوی مشکل جایگاه سیستم جامعه سیاسی چند لایه (طبقاتی) و انصراف قدرت.

---

<sup>86</sup> Talcott Parson, *Sociological Theory and Moder Society*, New York und London 1967, S. 423.

<sup>87</sup> هر دو نوع احساس اجتماعی (وابسته و غیر وابسته به محیط) از طرف تئودور گایگر (Theodor Geiger) فشرده و مختصر نشان داده می شود، دموکراسی منهای اصول دین: *Die Gesellschaft zwischen Pathos und Nüchternheit*, München 1963 (zuerst Aarhust 1960), S. 137-149. .

Die ) Emile Durkheim *De la division du traveil social*, a.a. O

### 3 خصلت ایدئولوژیک ناسیونالیسم

الف) ناسیونالیسم- مذهب سکولار شده؟

این جمله نیشدار که ناسیونالیسم هشتمین آئین دینی می باشد از کورت توچولسکی ( Kurt Tucholosky) می باشد و پژوهشگر صاحب نظر ناسیونالیسم کارلتون جی آچ هایس (Carlton J. H. Hayes) نیز ناسیونالیسم را به حیث یک مذهب نام می برد.<sup>88</sup> آیا مساوی قرار دادن مذهب و ناسیونالیسم بر حق و مشروع است؟

ما نمی خواهیم و نمی توانیم تا در اینجا تعریف دقیقی از مذهب ارائه دهیم. برای منظور و هدف ما همین کافی است که به وظیفه و تأثیری که اعتقادات و اعمال مذهبی برای افراد دارد، بپردازیم و یا آن را نشانه گیری کنیم. اعتقادات مذهبی در وحله نخست به مشکلات مربوط به علم ماوراء طبیعی (metaphysisch) و هستی مراجعه می کنند که از نظر شناختی قابل لمس، قابل حل و توسط انسان ها قابل دستکاری می باشند ( زندگی، مرگ، قهر طبیعت) و بنابر همین دلایل برای افراد از نظر روانی بسیار سنگین است. بر اساس نظر برونسلا مالینوسکی ( Bronislaw Malinowsky) این وظیفه اعتقادات و اعمال مناسک مذهبی است تا این فشار ها را در یک سطح قابل تحمل آن کاهش بدهد.<sup>89</sup> این که فشار دغدغه ماوراء طبیعی و دغدغه روانی تا چه قدر است، اهمیت آن را در راه حل مشکل کاهش هیجان برای فرد است. به حیث شاخصه ها (اندیکاتورها) برای اهمیت موضوع ما از واکنش افراد در مقابل یک حمله، تحت سوال قرار دادن راه های حل یک مشکل (اعتقادات مذهبی، افکار)، که برای جوامع و افراد خیلی با معنی می باشند، نام می بریم. فراتر از سطح فردی این نوع، وسعت و عمق می باشد که با آنها یک جماعت مذهبی در مقابل تفاوت ها و یا حملات در مقابل افکار و راه حل های عام قبول شده واکنش نشان می دهد. دومین شاخصه آن میزان تلاش شخصی برای پیدا نمودن راه حل یک مشکل جدی و قابل توجه می باشد.

در همه زمانها ادیان از طریق نهادهای شان، مترددین، مرتدین و خصوصاً منکران از خدا را سخت مجازات کرده اند. در پهلوی تحریم های رسمی از طریق نهادها، تحریم های غیر رسمی از طرف اعضای جماعات دینی در مقابل مترددین (عدول کنندگان از دین) وجود داشته اند. این ها از طریق تنفر، تجرید اجتماعی، و دوری گسیختن تا به تدابیر قهری فزیزیکی ظاهر می شوند. موازات آن با ناسیونالیسم بدیهی اند: خیانت به پدر و وطن و یا برخوردها علیه ملت در مواقع اضطراری، بدون در نظر داشت انگیزه های آن، جامعه ملی نه تنها از طریق تصاویر سخت غیر رسمی، بلکه هم با تحریم های رسمی سخت مجازات می کرد.<sup>90</sup>

<sup>88</sup> Carlton J. H. Hayes, Nationalism: A. Religion, a. a. O.

<sup>89</sup> Bronislaw Malinowsky, magic, Science, and Religion and Other Essays, Boston, Mass, und Glencoe, III., 1948, S.. 67.

<sup>90</sup> شایان ذکر است که برخورد با افراد «متردد» و قضاوت در مورد آنها در هر یک از ملتها و نسبت به اوضاع و احوال متفاوت بوده است و احتمالاً مطابق به امنیت داخلی خود آگاهی ملی شهروندان می باشد.